

افتخار به هویت زنانه

زن در محیط اسلامی رشد میکند، در عین حال زن باقی می‌ماند.
زن بودن، برای زن یک نقطه‌ی امتیاز و افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط و خصوصیات و اخلاق زنانه دور کنیم. خانه داری را، فرزند داری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم.

الله عزوجل



رهبرانقلاب
عبدالله

۱۳۹۷، ۴/۱۱





خانواده است و کفیل خانه؛ اما مسئولیت مدیریت، به عهده زن است. در زندگی نهاد خانواده را زن باید مدیریت کند. این مدیریت زن در نهاد خانواده، مدیریتی دو بعدی است. در حقیقت، یک زن در نهاد خانواده، دو تشکیلات را باید مدیریت کند: یکی مسئله تشکیلات آرامشگاهی و دوم تشکیلات پرورشگاهی. خانواده این دو خصوصیت را دارد: هم آرامشگاه است و هم پرورشگاه. آرامشگاه است، یعنی افراد خانواده در کانون زندگی، دور از همه اضطراب‌ها، دغدغه‌های مختلف، مشکلاتی که در عرصه فعالیت‌های اجتماعی برایشان به وجود می‌آید، در یک خانواده مهربانانه دور هم، با هم که می‌نشینند، آرامش دارند. پس این آرامشگاهی، عنوان اول خانواده است.

بعد عنوان دوم خانواده پرورشگاه است. یک فرزند به صورت یک نوزاد در این خانه به وجود می‌آید. تمام شئون جسمی و روحی او، تحت پرورش و تربیت قرار می‌گیرد. از این خانواده در طی پانزده سال، شانزده سال تا بیست سال، یک مرد، یک زن به وجود می‌آید که این معلول تمام عملیات پرورشگاهی کانون نهاد خانواده است. این همان نوزاد ضعیف ناتوانی بود که قدرت رد کردن یک مگس از روی صورتش را نداشت. این می‌شود یک مرد، یک زن، یک آقا، یک خانمی که در عرصه زندگی اجتماعی، سهم فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. این محصول پرورش خانواده است. خداوند متعال استعداد این دو مدیریت را در زن‌ها قرار داده است. زن‌ها می‌توانند هم آرامش و هم تربیت را در کانون خانواده اداره کنند. عرصه احساس یک زن، ابزار، برای این مدیریت دوگانه و دو بعدی

خطبه اول



الحمد لله المتفرد بالكبرياء و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين على ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حيّهم و ميّتهم و عتّا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه...

خانم‌ها، منشاء آرامش و پرورش در خانواده

در خطبه اول، به مناسبت ایام متعلق به ساحت مقدس صدیقه اطهر، کلام ما در آموزه فاطمی است. یکی از آموزه‌های فاطمی مسئله مدیریت نهاد خانواده است. نهاد خانواده، مهم‌ترین و ارزشمندترین نهاد اجتماعی در زندگی بشر است؛ زیرا جامعه از واحدهایی تشکیل می‌شود که آن واحد خانواده است. یعنی خانواده‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند، جامعه به وجود می‌آید؛ پس اگر خانواده صالح شد، جامعه صالح ایجاد می‌شود و اگر خدای ناکرده، جریان نهاد خانواده به فساد گراییده شد، جامعه فاسد خواهد شد. مسئله نهاد خانواده، یک نهادی است که گویی تمام اصول سعادت و شقاوت در زندگانی انسان‌ها، در این نهاد به صورت یک مزرعه و کشتزار در آنجا به وجود می‌آید؛ لذا روی مسئله نهاد خانواده بایستی توجه بیشتری کنیم.

آنچه که در نهاد خانواده قابل توجه است، شناخت مسئولیت در خانواده است. نهاد مقدس خانواده، نهادی است که از دو مسئولیت تشکیل می‌شود: مسئولیت کفالت و مسئولیت مدیریت. یک زن و مرد وقتی با هم ازدواج می‌کنند، خانواده تشکیل می‌دهند. مسئولیت کفالت به عهده مرد است. مرد سرپرست



حضرت زهرا (علیها السلام) الگو مدیریت خانواده

وجود مقدّس صدیقۀ اطهر (علیها السلام)، صرف‌نظر از تعلیم و آموزش‌ها و بیانات مختلفی که در این زمینه داشتند، الگوی عملی، تابلوی زندگانی در مقابل چشم همه مردم، مخصوصاً دلدادگان و شیعیانشان نصب شد تا مردم مدیریت آرامشگاهی و مدیریت پرورشگاهی را در تابلو زندگانی وجود اقدس صدیقۀ اطهر (علیها السلام) تماشا کنند.

در عرصۀ مدیریت پرورشگاهی، جریان تربیت، در عرصۀ زندگانی زهرا (علیها السلام) اطهر (علیها السلام) این است که باید شامل حال دو حجّت خدا بشود و دو امام در سایۀ این پرورش قرار بگیرند. با اینکه امامند، با اینکه حجّت خدایند، با اینکه متصل به مبدأ غیبند، با اینکه همه‌چیزشان در جریان ساختاری امام آفریده شده است ولی نقطه‌های حساس تحوّل‌آفرین و انقلاب‌ساز زندگی خودشان را به مادرشان نسبت می‌دهند. جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: وقتی امام مجتبی (علیه السلام) قدرت و حکومت را به معاویه واگذار کردند، عده از شیعیان ناراحت بودند. نق می‌زدند: «چرا امام حسن (علیه السلام) با معاویه صلح کردند. چرا قدرت را به معاویه واگذار کردند.» جوری بود که من هم تحت‌تأثیر این حرف‌ها قرار گرفتم. یک روز وجود مقدّس امام مجتبی (علیه السلام) از مسجد بیرون آمدند. با ایشان روبرو شدم خدمت حضرت عرض کردم: «یابن رسول الله! لم هادنت معاویه؟». آقا! چرا با معاویه ساختی؟ می‌گوید تا این را گفتم دیدم اشک دور چشمان امام مجتبی علیه‌السلام حلقه زد و فرمود: «جابر تو هم می‌گویی؟ تو هم از این

است. خداوند متعال ابزار این را در احساس، عشق و عاطفۀ زن‌ها قرار داده است و در کانون فکر و اندیشۀ آنها هم، استعداد طراحی، اجرا، برنامه‌ریزی برای ایجاد آرامش و پرورش قرار داده است. اصلاً زن یک ساختار خاص و ویژه‌ای در انسانیت است که فقط او توانمند در این دو مدیریت است. او می‌تواند آرامشگاه را مدیریت کند و او می‌تواند پرورشگاه را مدیریت کند.

شما در گذشته افراد زیادی را دیده‌اید، الان هم افرادی مشاهده می‌شوند، یک عده خانم‌هایی که درس نخواندند، سواد نداشتند، از علم و دانش زیادی هم برخوردار نبودند، اما در تربیت فرزند و تأمین آرامش خانوادۀ آرام، هنرمندی بودند که بعد از چند نسل زندگی، الگوی فرزندان و نوباوگانشان می‌شوند. در حالی که اینها تحصیل کرده نبودند، به تمام فرمول‌های تربیتی هم وارد نبودند؛ اما این استعداد را خدا در کانون زن قرار داده است. اصلاً فطرت زن در جریان تأمین آرامش و در جریان تربیت و پرورش فرزند است؛ لذا نهاد خانواده، مدیریتش باید به وسیلۀ خانم‌ها اداره بشود. وقتی یک خانم با ازدواج تشکیل خانواده می‌دهد، شوهر را از همه نزدیک‌تر به خودش می‌داند. شوهر محرم است، تا به جایی که این شوهر در حقیقت وصل به خود او است و او را جزء اجزای وجود خودش حس می‌کند. غیر از شوهر، حتّی پدر و مادر برای او غیر و اجنبی‌اند. این احساس خودی که یک زن نسبت به شوهرش دارد، تمام امکانات تأمین آرامش در زندگی با یک احساس خودی تأمین و اداره می‌شود؛ لذا این زندگی می‌شود کانون آرامش. این آقا در بوران اضطراب‌ها، دغدغه‌ها، نگرانی‌ها، پریشانی‌ها، فعالیت‌های مختلف اجتماعی، همین که دستش روی زنگ یا کوبۀ در خانه گذاشته می‌شود، آرامش همه وجود او را فرا می‌گیرد که الان در کانون امنی به نام خانواده قرار خواهد گرفت. این هنر زن است. پس اگر زن در نهاد خانواده، این دو مدیریت را به خوبی اجرا کند، این خانواده، خانوادۀ موفقند، خانواده سعادتمندند.



اما در مدیریت آرامشگاهی زهرای اطهر علیها السلام: ما درباره اهل بیت علیهم السلام بعضی چیزها را می‌گوییم، منتها در حد برنامه عزاداری یا ارضای عواطف ما و اشک ما قصه تمام می‌شود. عمق و ریشه‌اش را بررسی نمی‌کنیم. این را شما زیاد شنیده‌اید: وجود مقدس صدیقه اطهر علیها السلام در ماه‌های آخر عمرشان، از صورت سیلی‌خورده به امیرالمؤمنین چیزی نگفتند. بازوی شکسته را با علی در میان گذاشتند. از استخوان دنده شکسته با مولا چیزی نگفتند. از دردها، از رنج‌ها، از آن همه بیماری سعی کردند مسائل را بپوشانند. ما واقعاً بنشینیم فکر کنیم: یک خانمی، بازویش شکسته، استخوانش شکسته، این استخوان شکسته، چقدر درد دارد. سه ماه کنار این شوهر، برای یک بار هم نگوید استخوان بازوی من شکسته. خب چرا؟ چه اشکالی داشت می‌گفت؟! دشمن جسارت کرده، سیلی زده؟ خوب بگوید دشمن سیلی زده. چرا نمی‌گوید؟! صورتش را با پارچه بیشتر می‌پوشاند که آن اثر نیلی را هم امیرالمؤمنین علیه السلام نبیند؟ چرا؟ این مدیریت آرامشگاهی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در چنگال جریان غصب قرار گرفته است. رهبری، از خط امامت علی علیه السلام منحرف شده است. حق علی علیه السلام را غصب کردند.

مولا با صدها مشکل در عرصه‌های سیاست اجتماعی روبروست: دغدغه‌ها، اضطراب‌ها،

حرف‌ها می‌زنی؟ «مثلی اهادن مثل معاویه و قد كانت أمی فاطمة...» مثل منی با معاویه می‌سازد در حالی که مادر من زهراست؟! امام مجتبی علیه السلام، آن قدرت، آن صلابت، آن عرصه خدشه‌ناپذیر مقاومت و سر سختی‌شان را در عرصه امامت به مادرشان زهرا علیها السلام نسبت می‌دهند: مادر من فاطمه است؛ مدیر پرورشگاهی که من در آنجا رشد کردم، زهرا علیها السلام است.

وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام در آن شبی که والی مدینه، آن حضرت را دعوت کرد برای پیشنهاد بیعت با یزید، وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام در جواب ولید، والی مدینه، فرمودند: «یابی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت»^۱ مثل من با مثل یزید بیعت نمی‌کند؛ نه خدا راضی است، نه پیغمبر صلی الله علیه و آله راضی است، نه آن دامنی که مرا پرورش داده است. سیدالشهدا علیه السلام در جریان انقلاب عظیم عاشورا که می‌خواهد بشریت را تحت تأثیر قرار بدهد، اولین کلامی که از زبان حضرت صادر می‌شود، می‌گوید: «و حجور طابت و طهرت» آن دامنی که مرا پرورش داده، آن، اقتضا ندارد من با یزید بیعت کنم. یعنی عظمت انقلابی و آزادی خودش را به مادرش فاطمه علیها السلام نسبت می‌دهد. در حالی که حجت خداست و امام زمان است. حضرت زهرا علیها السلام در مقام پرورش یک دختر، که شاید دوران تربیتی این دختر، سه چهار سال بیشتر نبود، دختری تربیت کرد که آن روزی که مقام امامت، در محاق قرار گرفت، وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسیدند، امام چهارم، امام زمان هم بایستی در عرصه ظاهر نمی‌شدند؛ به‌خاطر اینکه اگر امامت آن روز ظهور و بروز پیدا می‌کرد، با جنایت سرسختانه‌تری، اساس امامت براندازی می‌شد و امام در محاق قرار گرفت. در زمانی که مقام امامت و ولایت در محاق واقع شد، انقلاب هم در بحران جوش و شورش بود، رهبری انقلاب را این خانم عهده‌دار شد. خوب، این اثر تربیتی و مدیریت پرورشگاهی زهرای علیها السلام است.



این خانه شد، بر طبق این فرهنگ، باید به عنوان یک مدیر آرامشگاه، آرامش را تأمین کند؛ حتی برای فرزندانی که داغ مادر دیده‌اند، نکند خاطرهٔ جان‌سوز و داغ مادر شهید برای آنها تکرار شود. این از تداوم فرهنگ مدیریت آرامشگاهی صدیقهٔ اطهر علیها السلام است.

خدایا، به عزّت اولیایت، توفیق پیروی از این آموزه‌های ارزشمند فاطمی به زنان ما، به مردان ما، به خانواده‌های ما عنایت بفرما؛

خدایا، نقطهٔ انتقام از مظلومیت‌های صدیقهٔ اطهر علیها السلام، نقطهٔ فرج و ظهور مولایمان بقیه‌الله را تعجیل فرما؛

ارواح مطهرهٔ شهدا و روح مطهر امام بزرگوار را از عشق و ارادت ما به ساحت ولایت اهل‌بیت علیهم السلام بهره‌مند بگردان؛

سایهٔ پربرکت مقام معظم رهبری دامت‌برکاته بر سر ما مستدام بدار؛

پروردگارا، از اینکه باران رحمت را بر ما نازل کردی، شکرگزاریم؛ ولی خودت فرمودی: «**إِنَّ شُكْرَکُمْ** لازیدنکم»^۲ اگر شکر کنید، نعمت را زیاد می‌کنیم. خدایا، این رحمت عظیم آسمانی را بر زندگی ما، بر سرزمین ولایی امام هشتم علیه السلام توسعه عنایت بفرما.

.....

۱. الشیخ راضی آل یاسین، صلح الحسن علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. سیدبن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۷.

۳. ابراهیم، آیه ۷.

ناراحتی‌ها؛ در خانه بایستی علی علیه السلام آرامش داشته باشد. این خانه باید برای علی علیه السلام آرامشگاه باشد. دیگر اینجا نبایستی به خاطر بازوی شکستهٔ خانمش، به خاطر صورت نیلی‌شدهٔ خانمش، مضطرب بشود. آرامش علی علیه السلام باید تأمین بشود. اظهار درد نمی‌کند، اظهار ناراحتی نمی‌کند، دائماً به مولا تسلی می‌دهد، اظهار حمایت از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌کند. آقا آرامش پیدا می‌کند. یعنی تا این حد مدیریت آرامشگاهی.

زن‌های شیعهٔ فاطمه‌دوست، ببینند چه مقدار از این الگو را در مدیریت آرامشگاهی کانون خانواده اجرا می‌کنند و ادعای عشق به زهرای اطهر علیها السلام می‌کنند؛ واقعاً تا این اندازه تأمین آرامش در کانون زندگی. فرهنگ در این خانواده ایجاد کرد، شهید شد از دنیا رفت، اما فرهنگش حاکم بود. در کانون این خانواده، هر کسی قدم می‌گذاشت، دنباله‌رو فرهنگ فاطمی بود. آن روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام با خانم فاطمهٔ کلابیه (ام‌البنین) به عنوان خانم با شهادتی که عقیل، شجاعت را در او تشخیص داده بود، ازدواج کردند و این خانم قدم در خانه‌ای گذاشت که قبلاً این خانه، خانهٔ زهرای علیها السلام بود. این نهاد به وسیلهٔ فاطمهٔ اطهر علیها السلام مدیریت می‌شد، با فرهنگی روبرو شد که همان روز اوّل به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: آقا، شما مرا به اسم صدا زنید. مرا فاطمه خطاب نکنید؛ چون هر وقت مرا فاطمه خطاب می‌کنید، عزیزان صدیقهٔ اطهر علیها السلام متأثر می‌شوند، به یاد مادرشان زهرای اطهر علیها السلام می‌افتند. من کجا؟ فاطمهٔ اطهر علیها السلام کجا؟ من کجا؟ شما مرا به اسم صدا زنید. آقا به من بگویید ام‌البنین؛ من الان مادر پسرهای شما هستم. در آینده هم، آن‌قدر فرزند می‌آورم، من بشوم مادر پسرها. به من ام‌البنین بگویید. این فرهنگ تا اینجا ریشه داشت که زهرای اطهر علیها السلام در کانون زندگی برای مدیریت آرامشگاهی، این فرهنگ را پیاده کرد. این خانمی هم که وارد



خطبه دوم:

سرآغاز استکبار ستیزی دانشجویان

و برای روز آمدن نیکسون در دانشگاه قصه‌ای اتفاق نیفتد، جلادان شاهی آن روز حمله کردند به دانشگاه تهران؛ بدون اینکه حرکتی در دانشگاه صورت گرفته باشد، تظاهراتی باشد. سر کلاس‌ها بودند، دانشجویها درس می‌خواندند، استادها درس می‌دادند، اینها ناگهان به آنها حمله کردند برای اینکه زهرچشم بگیرند تا روز ورود نیکسون به دانشگاه تهران حرکتی انجام نشود. خوب، در این حرکت بی‌مهابای بی‌باکانه‌ای که جلادان شاه در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در دانشگاه انجام دادند، در دانشکده فنی سه نفر به شهادت رسیدند:

اول شهید و کشته جریان مقابله با استکبار و استکبارستیزی جنبش دانشجویی، یکی بزرگ‌نیا بود، شریعت‌رضوی و قندچی. سه دانشجو به عنوان اول‌کشته جنایت امریکا بعد از ۲۸ مرداد در دانشگاه تهران. حرکت امریکایی جلادان شاهی این را به وجود آورد. امریکا از همان روز اول، در طی ۲۵ سال، یک ربع قرن که بر این مملکت مسلط بود، همه‌جا به مردم نیش و چنگال نشان داد. امریکایی‌ها خدمتی به مردم ایران نکردند، قدمی برای مردم بر نداشتند، جز اینکه معادن، اموال و هستی مردم را غارت کردند، بردند. سعی کردند کشور را در خرابی کامل نگه دارند. جلوی

امروز مقارن است با ۱۶ آذر، روز دانشجو، سرآغاز استکبار ناپاک و شیطانی امریکای ملعون. در ۲۸ مرداد سال ۳۲ با کودتای امریکایی، دولت ملی و مردمی دکتر مصدق سقوط کرد. مزدوران ناپاک امریکایی سر کار آمدند و شاه را به عنوان رأس مزدوران امریکا به کشور برگرداندند. جنایت امریکا از آن روز شروع شد. بعد از ۲۸ مرداد، در نیمه‌های آذر، برای اینکه خواستند اثر این استکبار و استعمار شیطانی خودشان را در ایران مشاهده کنند، معاون رئیس‌جمهور امریکا، نیکسون، به ایران مسافرت کرد. خوب، برای اینکه نشان بدهند کشور در طول امریکاست و مملکت ما یک کشور امریکایی شده، استقبال فوق‌العاده عظیمی از نیکسون انجام دادند. از جمله برنامه‌های استقبالی، دعوت او به دانشگاه تهران برای اعطای دکترای حقوق از دانشگاه تهران بود. خوب، چون قبلاً در دانشگاه ضد این استکبار و این استعمار جنبش‌های دانشجویی آغاز شده بود، برای اینکه این جنبش‌ها را سرکوب کنند



مرکز رسیدگی به امور مساجد
انستیتان هسته‌ای و تروریسم

دشمن داریم که مردم ما آرامش داشته باشند، مردم دچار اضطراب نشوند؛ ولی متأسفانه یک عده عوامل سودجوی داخلی، این سایه جنگ را فرصت گرفته‌اند برای خالی کردن جیب مردم و برای کوچک کردن سفره خانواده‌ها و فشار بر مردم در معیشت. اینها سودشان را ببرند؛ به هیچ عارضه‌ای از عوارض منفی این سودجویی هم توجه ندارند.

برادران و خواهران، ما در این مملکت شش تا هشت سال جنگ داشتیم. در طول هشت سال جنگی که ما در این مملکت داشتیم، مرزهایمان را دشمن گرفته بود، شهرهای ما بمباران می‌شد، ما دچار مشکل گرانی معیشتی و کالای اساسی در این کشور نشدیم. این تجربه گذشته است. امروز با یک سایه‌ای جنگی که دشمن روی سر ما گذاشته، با یک مصاحبه شیطانی نابکاری که در یک رسانه‌ای پخش می‌کنند، با یک عربده جانورصفخانه و درنده‌خویی که رئیس‌جمهور امریکا فریاد می‌زند یا رئیس رژیم صهیونیستی اظهار وقاحت می‌کند، یک‌مرتبه طلا برود بالا، بیاید پایین، نرخ‌ها تغییر پیدا کند، مردم در معیشتشان در مضیقه بیفتند. این بالاترین خدمت به امریکاست. اینهایی که دست به این کار داخل مملکت می‌زنند، اینها ستون پنجم امریکا در مملکتند. اینها جنایتکارند.

مسئولین کشور ما، مسئولین اجرایی، مسئولین قضایی بدانند: اینهایی که در آن مصادر بالای اقتصادی کشور، و چه در این عرصه‌های خرد کسبه بازار کشور، دست به این حرکت دارند می‌زنند، اینها عناصر جنگنده امریکایی با این ملت هستند. در مقابل دشمن که نمی‌شود بی‌تفاوت شد. واقعاً بی‌تفاوتی دستگاه‌های اجرایی ما و دستگاه‌های قضایی ما در مقابل این حرکت دشمن به وسیله ستون پنجمش و این عوامل داخلی، بی‌تفاوتی در مقابل حمله خود دشمن است. این درست نیست. مردم انتظار ندارند که مسئولین ما بی‌تفاوت باشند. یک عده

پیشرفت و توسعه همه‌جانبه کشور را گرفتند. اجازه کوچک‌ترین حرکت علمی به مردم ما، به جوانان مستعد ما نمی‌دادند؛ برای اینکه سلطه خودشان روزبه‌روز بیشتر برای کشور تثبیت بشود. آنچه نشان می‌دادند، فقط نیش و چنگالی بود که به وسیله ساواک جهانی که تأسیس امریکا بود و به راهنمایی امریکا، ساواک جنایات خودش را انجام می‌داد، این ۲۵ سال فقط نیش و چنگال به مردم نشان می‌داد.

از آن روزی که امریکا در این مملکت مسلط بود، تا روزی که مردم ما او را از این کشور بیرون کردند، و تا به امروزی که مردم ما مقاوم در برابر این استکبار شیطانی ایستاده‌اند، دشمنی و جنایت از امریکا و امریکایی‌ها نسبت به این کشور و ملت لحظه‌ای جدا نشده است. مردم ما نه آن روز، نه امروز، جز دشمنی و عداوت و جنایت از امریکا ندیده‌اند. امروزی هم که در این حملات نابه‌هنگام رژیم صهیونیستی به تحریک امریکا، خود امریکا شکست خورده است، سعی می‌کند سایه جنگ را بر سر مردم نگه دارد تا این مردم در برنامه‌های اقتصادی، برنامه‌های علمی، رشد و پیشرفتشان دچار ناپایداری بشوند و نتوانند سر و سامان پیدا کنند. از همه بدتر، در معیشت مردم فشاری در سایه جنگ به وجود بیاید که در حقیقت نتوانند [مردم سر و سامان پیدا کنند]. با تبلیغاتی که در رسانه‌های شیطانی خودشان در دنیا می‌کنند که هر روز ما حمله می‌کنیم، با عملیاتی که در کشور مجاور ما، عراق، مستمر انجام می‌دهند و با تهدید عراق ما را دارند تهدید می‌کنند، اینها درصدد هستند که سایه جنگ را حفظ کنند.

متأسفانه داخل ما هم دچار مشکل شده است. مشکل ما از داخل است. مال دشمن و سایه جنگ دشمن نیست؛ چون عزیزان قهرمان ما در نیروهای مسلح و نیروهای نظامی مکرراً اظهار کرده‌اند که ما آمادگی هر نوع مقابله با دشمن را با تجهیزات فناورانه خودمان و برنامه‌های عظیم و فرماندهی عظیم قوای مسلح در مقابل



نقشه‌های بیست‌ساله را آقای ما با سرانگشتشان باطل می‌کند و ما را پیروز می‌کند. خدایا، ما را مشمول عنایات این صاحبمان در حل مشکلات داخلی‌مان قرار بده؛

پروردگارا، این نقطه عزت و عظمت ما، در مرحله کمالش، نقطه فرج و ظهور مولایمان بقیه‌الله را تسجیل فرما؛

ارواح مطهره شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از پامردی مردم ما در پای ستون خیمه این نظام خشنود و راضی بگردان؛

سایه پربرکت مقام معظم رهبری بر سرمان مستدام بدار؛

دشمنان ناپاک ما را در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار، و در جبهه‌های سودجویی و اخلاص اقتصادی داخل این کشور، نیست و نابود بفرما؛ خدایا، کسانی که در داخل کشور ما در هر موقعیتی، به عنوان سودجویی و شخصیت‌طلبی خودشان، دست در جیب مردم دارند و می‌خواهند مردم را بدبخت و غارت کنند، خدایا اینها را به ذلت و خواری و فقر و نکبت دنیا قبل از عذاب آخرت مبتلایشان بفرما.



سودجو بیایند به نفع جیب خودشان با امریکا دست بدهند و در فرصت سایه جنگی که امریکا برای اینها درست کرده است، شروع کنند کشور را غارت کردن، مردم را چاپیدن، سفره مردم را کوچک کردن، دست به جیب مردم بردن و هستی مردم را گرفتن. آخر این درست است؟ عزیزان مسئولین ما در قضا و اجرا بایستند تماشا کنند چه بلایی دارد به سر مردم می‌آید و هیچ اظهاری نداشته باشند؟ دشمن است. دشمن تعارف ندارد.

بے تفاوتی در برابر اخلاص گران اقتصادے

از ۱۶ آذر ۳۲ و ۲۸ مرداد ۳۲ تا به الان، در حدود بین شصت تا هفتاد سال، این دشمن چنگ و دندان به ما نشان داده، با ما جنگیده، ما را غارت کرده، هزاران جنایت و توطئه و فتنه راه انداخته. الان هم این فتنه آخرش سایه جنگ است تا ما را به این روز بنشانند. باید در مقابل دشمن ساکت شد؟ باید بی‌تفاوت شد؟ نظام ما نظام مقتدری است. همان‌طوری که عزیزان قهرمان ما در نیروهای مسلح می‌گویند: ما آماده هرگونه مقابله با دشمن هستیم، از نظر نیروی انسانی، از نظر طرح‌های جنگی، از نظر جنگ الکترونیک، از نظر فعالیت‌های فناوری، ما همه‌گونه آمادگی داریم. آیا درست است که در داخل کشور ما یک عده ناپاک، جانی، دزد، دست در دست امریکا بگذارند و بیایند مردم را غارت کنند با جریان گرانی معیشت مردم؟!

خدایا، به عزت اولیایت، در همه عرصه‌ها ما به یک نقطه افتخار می‌کنیم و به یک نقطه اتکا داریم و آن نقطه این است که ما آقا داریم. ما صاحب داریم، صاحب ما پرده‌نشینی‌ست که با یک سرانگشت خودش همه‌چیز را درست می‌کند، دشمن را ذلیل می‌کند، در جنگ دوازده‌روزه ما را پیروز می‌کند. دشمن بیست سال نقشه ریخته است، ما را نابود کند. همه